

خسارت از خسارت

مواد ۷۱۳ - با توجه به ماده ۴۲ و شق ۳ ماده ۵۰۸ :
برطبق ماده ۷۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی خسارت از خسارت قابل مطالبه
نیست .

بموازات ماده مرقوم قانونگذار در مواد دیگر وسایر مقرراتی که از اشاره آنها
اسساک شد - در مورد خسارت از صاحب حق نیز هیچگونه هزینه و تشریفاتی نخواست
و مجرد صدور حکم نسبت باصل دعوی را کافی جهت مطالبه خسارت حتی اجرةالمثل
چه قبل از تقدیم دادخواست چه بعد از آن دانسته و اجازه داده دادگاهها اعم از بدوی
و پژوهشی نسبت به خسارات حکم صادر نموده و یا حکم صادره را تصحیح نمایند .

البته حکم مقرر در ماده ۷۱۳ وسایر موادی که در تایید آن مقرر شده براساس
یک اصل حقوقی و یک قاعده کلی (فرع تابع اصل است) بوده و از نظر اینکه مندرجات
و مباحث مجله کانون و کلاء مورد قرائت اکثر افراد حقوقی وارد است لذا از توضیح
منشاء حقوقی ماده ۷۱۳ خودداری میشود

از نظر اینکه شعاع ماده ۷۱۳ در سایر موارد مؤثر بوده و اکثر مبتلا به میباشد
لذا اینجانب به بحث در این موضوع اقدام و اسیدوارم در صورت موافقت مورد تایید نظر
استادان معظم و همکاران محترم واقع شده و هر گاه اصلاحی در این مورد در نظر داشته باشند
با انتشار نظریات خود در حل این معما تشریک مساعی فرمایند .

از توجه بمراتب بالا و اختلاط مواد فوق الذکر استنباط میشود - همانطوریکه
قانونگذار خواهان را از پرداخت هزینه دادرسی نسبت به خسارات معاف نموده بطریق
اولی باید خواننده و محکوم علیه نیز از جهة خسارات از پرداخت هزینه در مرحله پژوهشی
و فرجامی معاف بوده و همانطوریکه محکوم له یا خواهان به مجرد تقدیم یک تقاضا حق
دارد خسارت خود را مطالبه نماید - محکوم علیه یا خواننده نیز با درخواست پژوهشی یا
فرجام نسبت باصل از پرداخت هزینه نسبت به خسارت معاف باشد -

لذا برای توجیه موضوع فروع حق مختلفی که در این مورد میتواند تحقق یابد بشرح
زیر مورد بحث قرار گرفته تا روشن شود در هیچ فرضی خواهان و محکوم له الزامی
برای پرداخت هزینه نداشته و بهمین جهة از خواننده ها و محکوم علیه نباید از این جهة
هزینه مطالبه کرد -

قبل از بیان اصل مطلوب و توجیه فرض های مختلف قضیه تذکر یک نکته ضروری است
برطبق قانون اساسی وسایر قوانین هر گاه یکی از مأمورین دولت اشتباه آوجوهی

خسارت از خسارت

کمتر از آنچه قانون معین کرده بضرر صندوق دولت کمتر گرفته - ظاهراً تخلفی نکرده و هر وقت متوجه اشتباه خود شد میتواند اشتباه خود را جبران کرده و جبران آنهم غیر ممکن نیست ولی بالعکس هر گاه مأسوری زاید بر مآخذ قانونی ولو برفع صندوق دولت وجه یا مالیاتی اخذ نمود طبق قانون اساسی منع و بر طبق سایر قوانین مصون از بازخواست نیست گو اینکه عمدی در کار نبوده و نفعی برای خود او متصور نبوده جهة این تهدید قانون اساسی از این رو است که در فرض دوم با اخذ وجهی زائد بر مآخذ بلافاصله به عایدات دولت ریخته شده و دیگر برگشت آن ممکن نیست - بنا بر این جهة قانون اساسی در این مورد بنحو موکدی منع نموده است.

بعد از توضیح مقدمه فوق فروض مختلف قضیه را ذیلاً طرح تا معلوم شود در هیچ موردی قانونگذار نسبت به خسارت جهة خواهان تکلیفی برای پرداخت هزینه یا حق الوکاله مقرر نداشته و از این جهة از خواننده و محکوم علیه نباید بابت خسارت هزینه مطالبه کرد والا ماده ۷۱۳ و سایر مواد قانونی مربوط بيمورد نقض شده و استناد دفاتر هم در این مورد به ماده ۶۸۳ قانون آئین دادرسی مدنی صحیح نبوده و معطوفاً بسایر مواد قانون آئین دادرسی مدنی محکوم به عبارت از اصل خواسته خواهان میباشد.

زیرا هر گاه فرض کنیم که محکوم به دادنامه صادره بیش از خواسته میتواند باشد این فرض تحقق نداشته و منع قانونی دارد. چه من جمله از ارکان دادنامه این است که باید مطابق خواسته باشد و هیچ دادگاهی نمیتواند زائد بر خواسته خواهان حکم صادر کند. بنابراین - محکوم به عبارت از همان خواسته بوده و آنچه به عنوان خسارت اضافه شده در واقع جزء فروعات دعوا بوده که خواهان برای مطالبه آن تکلیفی بپرداخت هزینه نداشته و بطریق اولی خواننده دعوی نیز از این جهة تکلیفی ندارد و الا عملاً خسارت در خسارت است که ماده ۷۱۳ نهی کرده.

در مورد صدور حکم نسبت به خسارات موضوع از سه شق خارج نیست که نسبت بهریک ذیلاً مسئله طرح میشود

الف - تاجری باستناد یک قطعه سفته یک میلیون ریال بعد از پنجسال بر متعهد اقامه دعوا نموده و الزام خواننده را بپرداخت اصل و خسارات مطالبه مینماید. پس از دو سال موضوع بحکم منتهی و دادگاه خواننده را بپرداخت یک میلیون ریال اصل و یک میلیون و کسری ریال خسارت تأخیر و هزینه دادرسی و حق الوکاله محکوم مینماید - از این حکم محکوم علیه پژوهش خواسته ولی آنچه باید در مرحله پژوهش هزینه بدهد - فقط نسبت بیک میلیون ریال اصل وجه سفته است - زیرا نسبت بیک میلیون و کسری ریال خسارات خواهان در مرحله بدوی هزینه نداده تا خواننده هم در مرحله پژوهشی هزینه بدهد و مطالبه هزینه نسبت به خسارات مخالف ماده ۷۱۳ است قسمت اول ماده ۴۲

ب - قسمت دوم - ماده ۴۲ قانون آئین دادرسی مدنی با توجه بمواد ۸ و ۱۶ ه قانون مزبور .

فرض دوم - تاجری باستناد یک برگ سفته یک میلیون ریال پس از پنج سال

خسارت از خسارت

برمتعهد خود اقامه دعوا نموده و دادگاه بدوی و پژوهشی و فرجامی بنفع خواهان حکم صادر مینمایند. بعد از قطعییت خواهان بااستناد جزء دوم ماده ۲؛ از دادگاه استان تقاضای صدور حکم نسبت به خسارات مینماید دادگاه نیز محکوم علیه را پرداخت یک میلیون و دویست هزار ریال خسارت تاخیر و دادرسی و حق الوکاله مراحل ثلاثه محکوم مینماید.

در این فرض مشاهده میکنیم که دادگاه استان برخلاف ماده ۸ نسبت به چیزی که در مرحله بدوی مورد حکم واقع نشده ولی بنا بدستور ماده ۲؛ مکلف است بتقاضای خواهان خسارات او را مورد حکم قرار دهد. در این مورد نیز هیچگونه وظیفه و تکلیفی برای خواهان فرض نشده و حتی برخلاف سلسله ابراتب قضائی باو حق داده شده که خسارات خود را از دادگاه استان خواسته و بلافاصله پس از صدور حکم هم اجرائیه صادر نماید.

با این ترتیب ملاحظه میشود که خواهان نه فقط دیناری هزینه نپرداخت حتی بدون سیر مرحله بدوی از مرحله پژوهشی نسبت به خسارات خود حکم صادر و اجراء نمود با این ترتیب مطالبه هزینه نسبت به خسارت از خواننده و محکوم علیه برخلاف ماده ۷۱۳ و باعدالت سازگار نیست. در دنباله این فرض اقتضاء دارد نسبت باستناد دفا تر به بند ب ماده ۶۸۳ توضیحی داده شود. با توجه بمواد فوق الاشعار و ماده ۱۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی. مصادیق بند ب ماده ۶۸۳ و محکوم به عبارت از همان خواسته دعوی اولیه است یا کمتر والا برطبق مواد مزبور هیچگاه نمیتواند محکوم به از خواسته دعوی اولیه بیشتر باشد و بند ب ماده ۶۸۳ در صورتی است که خواهان نسبت به جزئی از دعوا محکوم و محکوم به کمتر از خواسته باشد والا طبق مواد مرقوم هیچگاه نمیشود محکوم به از خواسته بیشتر باشد.

ج. اما فرض سوم - ممکن است خواهانی باستناد سفته تجاری علیه دیگری نسبت باصل اقامه دعوا نموده و پس از صدور حکم قطعی از هیچ یک از دوشق ماده ۲؛ استفاده نکرده و نسبت به خسارات مستقلاً دادخواست تقدیم نموده و نسبت به خسارت هزینه دادرسی و حق الوکاله بدهد. در این صورت هم باز نمیتواند خسارات خود را از خواننده مطالبه نماید زیرا هر گاه کسی خواست باوجود فرصتهای قانونی در مراحل قضائی تقنین بخرج داده و هزینه و حق الوکاله بلاجهتی پردازد - دیگری مسئول پیروی از رویه تقنین آمیز او نخواهد بود. وقتی قانونگذار بصاحب حق مجال داده پس از موفقیت در اصل دعوا خسارات خود را بدون هیچ تشریفات مطالبه کند. با وجود این فرصت اگر خواهان نخواست استفاده کرده و یا خواست متعمداً بمدیون خود ضرر وارد کند بدیهی است باوجود ماده ۷۱۳ مراجع قضائی مجری تمایلات و تقنین افراد نبوده و با نهی صریح ماده ۷۱۳ غیر از خسارات مربوطه باصل خواسته در هیچ مرحله هزینه و خسارتی از خواننده و محکوم علیه نباید مطالبه کرد.

انتظار دارد همکاران معظم با قرائت این مقاله چنانچه نواقصی بنظرشان رسید اصلاح و در حدود قانون مورد را از نظر مبتلابه عمومی تعقیب فرمایند. در مقالات دیگر باز در این مورد توضیحات لازم دنبال خواهد شد.